

دوفصلنامه علمی- پژوهشی حدیث پژوهی
سال هشتم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵
صفحه ۲۳۷-۲۵۲

بررسی مقبولیت روایت عمر بن حنظله^۱

سید رضا شیرازی*

◀ چکیده:

روایت عمر بن حنظله از جهت مجهول بودن او، به ضعف سندی متصف شده است. متأخرین برای عمل بدین روایت، به خاطر اهمیت و کاربردهای متعدد این روایت در ابواب مختلف فقهی و اصولی، جبران ضعف روایت با مقبول بودنش در نزد اصحاب را ادعا نموده‌اند. در این مقاله، با ارائه پیشینه این ادعا، و بررسی باب قضا در کتب فقهی، و مبحث تعادل و ترجیح در کتب اصول فقه قبل از شهید ثانی، صحت و سقم این امر بررسی می‌شود. به نظر می‌رسد استناد گسترده علامه حلی بدین روایت، و توصیف روایت به «مقبول» توسط شهید اول و محقق کرکی، منشأ ادعای مقبوله بودن این روایت توسط شهید ثانی شده است و کاربرد این صفت برای این حدیث، در شرح لمعه (الروضه البهیة)، و درسی بودن این کتاب از زمان خود تاکنون، منجر به شهرت این روایت به مقبوله شده است.

◀ **کلیدواژه‌ها:** مقبوله، عمر بن حنظله، شرایط مجتهد، تعادل و ترجیح، مرجحات.

* مدرس جامعه المصطفی العالمية و مؤسسه آموزش عالی خاوران / srshirazi@yahoo.com

مقدمه

به روایت عمر بن حنظله (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۷-۶۸ و ج ۷، ص ۴۱۱؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۸-۱۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۱۸ و ج ۶، ص ۳۰۱) در مباحث مختلف فقهی و اصولی، از جمله اجتهاد و تقلید، ولایت فقیه، قضا و تعادل و تراجم تمسک می‌شود. اهمیت آن تا جایی است که عبارات زیر گویای آن است:

«جعلوه عمدة التفقه و استنبطوا منه شرائطه كلها» (شهید ثانی، ۱۳۸۱ش، ص ۹۰)، «هی الأصل عند أصحابنا فی استنباط أحكام الاجتهاد، و کون المجتهد العارف بالأحكام منصوبا من قبلهم» (میرداماد، ۱۳۸۰ش، ص ۲۴۳)، «علیها مدار العلماء فی الفتوی و الحكم» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۰)، «لا یتظهر لهم [الفقهاء] مستند فیہ [کون الفقهاء نواب الامام(ع)] سوی ما فی مقبولة عمر بن حنظلة» (خوانساری، آقا جمال، بی‌تا، ص ۳۲۰)، «صار اصلا عند الاصحاب فی کثیر من احکام الاجتهاد، و کون المجتهد العارف بالاحکام منصوبا من قبلهم(ع) و جملة من مسائل القضاء و کثیر من المطالب المتعلقة بباب التعادل من الاصول» (نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۴۴) و «عمده مدرک آن [اصل ولایت فقیه] مقبوله عمر بن حنظله است.» (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۹، ص ۶۰۵)

در بررسی پیشینه مباحث سندی این روایت از شهید ثانی (م ۹۶۶) تاکنون، اندیشمندان ابتدا سه فرد یعنی محمد بن عیسی، داود بن الحصین و عمر بن حنظله را به عنوان ضعف سندی روایت مطرح کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۳۸۱ش، ص ۹۰/ شفتی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۴۸/ نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۳۷) و پس از چندی، آنان فقط متعرض داود بن الحصین و عمر بن حنظله شده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۵، ص ۲۲/ نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۷، ص ۱۹) تا اینکه متأخرین ضعف سندی را فقط از جهت عمر بن حنظله دانسته‌اند. (خمینی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۶۳۸/ خوئی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۴۳/ همو، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۴۲ و ج ۳، ص ۴۰۹/ مکارم، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۵۶/ سند، ۱۴۲۹ق، ص ۱۸۹) با توجه به ضعف سندی این روایت، فقها راه حلی دیگر برای عمل بدان ارائه کرده‌اند و آن جبران ضعف روایت با مقبول بودنش در نزد «اصحاب» است. در ادامه، پیشینه این ادعا و صحت و سقم آن بررسی می‌شود.

تعریف حدیث مقبول در نزد اندیشمندان علم درایه

قدیمی‌ترین تعریف از صفت «مقبول» برای روایت در نزد شیعه، که نگارنده بدان دست یابید، از شهید ثانی است. او در کتاب *بدایه* (چاپ شده همراه *الرعاية*، ص ۳۴) چنین آورده است: «ثامن عشرها: المقبول و هو ماتلقوه بالقبول و العمل بالمضمون من غیر التفات الی صحته و عدمها کحدیث عمر بن حنظلة فی حال المتخاصمین.»

اندیشمندان بعد از او، این تعریف را پذیرفته و مضمون آن را تکرار کرده‌اند. (نک: عاملی، ۱۴۰۱ق، ص ۹۹/ شیخ بهایی، ۱۴۲۰ق، ص ۵/ میرداماد، ۱۳۸۰ش، ص ۱۶۴/ طریحی، بی تا، ص ۳ و ۵/ شریعتمدار، ۱۳۸۷ش، ص ۴۵۲/ کجوری، ۱۳۸۲ش، ص ۲۰۱/ کنی، ۱۳۷۹ش، ص ۲۷۲/ بروجردی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۵۱/ صدر، بی تا، ص ۱۶۵-۱۶۶؛ مامقانی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۲۱۴ و...)

قابل توجه است که شهید ثانی تعریف دیگری از مقبول کرده است: «المقبول: و هو ما یجب العمل به عند الجمهور، کالخبر المحتف بالقرائن، و الصحیح عند الاکثر، و الحسن علی قول.» (الرعاية، ۱۳۹۰ش، ص ۷۱)

اما این تعریف چندان مورد اقبال و توجه اندیشمندان قرار نگرفته است. به هر حال، در اینکه صفت مقبول از اوصاف مشترک بین احادیث صحیح، حسن، موثق و ضعیف است یا اینکه این صفت شامل حدیث صحیح نمی‌شود، بین اندیشمندان اختلاف است (نک: منابع تعریف مقبوله). به عبارت دیگر، آیا مجرد اتصاف روایتی به «مقبوله» دلالت بر عدم صحیح بودن آن روایت می‌کند؟ شاید بتوان گفت جواب سؤال فوق مبتنی بر قبول یا رد قاعده «انکسار خبر صحیح به خاطر اعراض مشهور از آن» باشد. به طوری که با قبول این قاعده حدیث صحیح نیز به مقبول و غیرمقبول تقسیم می‌شود.

تنقیح موضوع بحث

آنچه از سخن اندیشمندان در اینجا متبادر است بلکه می‌توان برای آن قرائن و شواهد ارائه کرد (خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۳، ص ۲۹ و ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۸۹)، این است که مراد از «مقبول بودن روایت عمر بن حنظله» فقط این روایت و نه تمامی روایات اوست. به

عبارتی دیگر، مقبوله صفت این روایت است^۱، نه صفت روایات عمر بن حنظله. (نگاه مخالف نک: سیفی، ۱۳۸۵ش، ج ۶، ص ۲۷۶)

اولین توصیف‌های روایت عمر بن حنظله به مقبوله

بنا به تتبع نگارنده، اولین کسی که این روایت را به مقبول متصف نموده، شهید اول (م ۷۸۴) است. (۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۲) بعد از او محقق کرکی (م ۹۴۰) (۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۷۷ و ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۴۳ و ۱۶۸) این وصف را به کار برده است. پس از آن دو، شهید ثانی در دو کتاب علم درایه خود، این توصیف را تکرار نموده است.

تعریف مقبوله و تمثیل او بدین روایت در کتاب *بدایه* گذشت. او در کتاب *الرعاية لحال البدایه* (۱۳۸۱ش، ص ۹۰-۹۱) گفته است: «و انما وسموه بالمقبول؛ لان فی طریقه محمد بن عیسی، و داود بن الحصین، و هما ضعیفان. و عمر بن حنظله لم ینص الاصحاب فیه بجرح و لا تعدیل، لکن امره عندی سهل؛ لانی حققت توثیقه من محل آخر، و ان کانا قد اهملوه. و مع ما تری فی هذا الاسناد قد قبل الاصحاب متنه، و عملوا بمضمونه، بل جعلوه عمده التفقه، و استنبطوا منه شرائطه کلها، و سموه مقبولاً. و مثله فی تضاعیف احادیث الفقه کثیر.»

شهید ثانی تقریباً در کل کتب فقهی اش از این روایت نام می‌برد. (نک: ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۷۴ [با تعبیر «خبیر عمر بن حنظله»] / ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۰۸-۱۰۹ و ج ۱۳، ص ۳۳۵ و ۳۴۳-۳۴۴ [به گسترش تعبیرات شهید از مجلد ۳ تا مجلد ۱۳ دقت شود.] / ۱۴۱۶ق، ص ۳۲۱ / ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۷۷۱ / ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۶۷ [در هر سه کتاب با تعبیر: مقبول عمر بن حنظله])^۲ پس از او، ذکر این روایت و این صفت در کتب اصحاب معمول می‌گردد. (نک: اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۵۴۶-۵۴۷، ج ۸، ص ۵۲۸ و ج ۱۲، ص ۸-۱۲ و ۲۰-۲۱ / عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۵ / عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۵ و ج ۷، ص ۲۶۲ / استرآبادی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۶۸، ۳۰۳، ۳۹۰ و ۳۹۱ / فاضل کاظمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۳ / مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۰ و ۲۸، ج ۶، ص ۲۷، ج ۹، ص ۱۴۳، ج ۱۲، ص ۱۲ و ۵۰۴ / کرکی، ۱۳۹۶ق، ص ۲۶۰ / مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۴۲۰ / محقق سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج ۱، ص ۱۳۱ / همو، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱۰ و ۴۱۳، ج ۲، ص ۶۶۱ / فیض، ۱۴۰۱ق، ص ۵۶ / خوانساری، آقا حسین، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۱۰)^۴

بررسی سخن شهید ثانی

برای بررسی ادعاهای پنج‌گانه شهید ثانی با توجه به متن روایت، به نظر می‌رسد دو گزینه پیش رو داریم: ۱. بررسی باب قضا در کتب فقهی قبل از شهید ثانی؛ ۲. بررسی مبحث تعادل و تراجیح در کتب اصول فقه قبل از او.

بررسی باب قضا در کتب فقهی قبل از شهید ثانی

تمام آنچه با بررسی ابواب قضا در کتب فقهی قدما تا شهید ثانی^۵ در رابطه با خبر عمر بن حنظله به دست می‌آید، موارد زیر است:

۱. اولین کسی که از روایت ذکری به میان می‌آورد، ابوالصلاح حلبی (م ۴۴۷) است. او در استدلال به مسئله عدم جواز رجوع به غیر شیعه در قضا، به گروهی از روایات تمسک می‌کند که از جمله آن‌ها روایت عمر بن حنظله است. عبارت او چنین است: «و قد تناصرت الروایات عن الصادقین علیهما السلام بمعنی ما ذکرناه: فروی عن ابي عبدالله علیه السلام انه قال: ایما رجل كان بينه وبين أخ له ممارسة في حق... و عنه صلى الله عليه وآله انه قال: إياكم أن يخاصم بعضكم بعضا الى أهل الجور و... و روی عن عمر بن حنظلة قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجلين من اصحابنا...» (۱۴۰۳ق، ص ۴۲۴)

۲. ابن ادريس حلی (م ۵۹۸) سخنان ابوالصلاح را در *سرائر*، بدون هیچ کم‌وکاستی نقل می‌کند. (مقایسه کنید: حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۴۲۱-۴۳۲ با حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۳۷-۵۴۶)

۳. متن کتاب یحیی بن سعید (م حدود ۷۰۰) اشاره به روایت عمر بن حنظله دارد. (حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۵۲۲-۵۲۳)

۴. علامه حلی (م ۷۲۶) به شکل معتنابهی بدین روایت تمسک می‌کند. (۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۱۹ و ص ۲۳۹/همو، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۴۶/همو، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۶۴/همو، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۲۴۶)، ولی در هیچ‌کدام از موارد، این روایت را به «مقبوله» متصف نمی‌کند. این در حالی است که او روایات بعضی افراد را به چنین وصفی متصف نموده است. (۱۳۸۱ش، ص ۱۵ [ذیل احمد بن محمد بن خالد: «و عندی ان روایتہ مقبولة»] و ص ۲۰۲ [ذیل احمد بن هلال عبرتائی: «و عندی ان روایتہ غیر مقبولة»])

۵. شهید اول از این روایت، شرایط سیزده گانه فقیه را استنتاج می کند. تعبیر او چنین است: «يعتبر في الفقيه أمور ثلاثة عشر، قد نبه عليها في مقبول عمر بن حنظلة عن الامام الصادق (ع)» (۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۲)^۶

در کلام شهید اول دو احتمال وجود دارد: یکی اینکه در نزد خود او، این روایت مورد قبول است و دیگر اینکه این روایت در نزد اصحاب مقبول است.^۷

۶. محقق کرکی بدین روایت تمسک نموده و آن را به «مقبول» متصف کرده است. (۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۷۷/همو، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۴۳ و ۱۶۸)

۷. در عبارات های فقها تشابه خاصی با متن روایت عمر بن حنظله یافت نمی شود تا بتوان اطمینان و یا گمان بر این داشت که بدین روایت اعتماد کرده اند.^۸

۸. با مقایسه شرایطی که شهید اول برای مجتهد ذکر کرده با شرایطی که دیگر فقها برای مجتهد (قاضی) ذکر نموده اند، به این نتیجه رسیده می شود که استنباط شرایط سیزده گانه فقیه از روایت عمر بن حنظله، اجتهادی از شهید اول می باشد.^۹

از تتبع فوق می توان مطالب زیر را استنتاج کرد:

- با توجه به شماره ۵ و ۸، بطلان دو ادعای شهید ثانی: «جعلوه عمدة التفقه، و استنبطوا منه شرائطه كلها» حاصل می شود. به نظر می رسد استنتاج شرایط فقیه از این روایت توسط شهید اول در کتاب *ذکری الشیعة منشأ پیدایش* چنین ادعایی بوده است.

- با توجه به ۴ و ۵ و ۶، بطلان ادعای شهید ثانی به اینکه فقها این روایت را مقبوله نامیده اند، مشخص می شود. پرواضح است که با توصیف این روایت توسط دو تن از فقها (شهید اول و محقق کرکی) به مقبوله، نمی توان آن را به کل فقها سرایت داد.

می توان گفت استناد گسترده علامه حلی بدین روایت، و توصیف روایت به «مقبول» توسط شهید اول در *ذکری الشیعة فی احکام الشریعة* و محقق کرکی در کتاب هایش، منشأ پیدایش این ادعا شده است.

پرواضح است که تأیید ادعای شهید ثانی در مقبوله بودن این روایت با قبول فقهای متأخر از شهید ثانی (شیرازی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۳۳)^{۱۰} مانند محدث بحرانی (م ۱۱۸۶)،

سید جواد عاملی (صاحب مفتاح الكرامة)، ملا احمد نراقی (م ۱۲۴۵)، صاحب جواهر (م ۱۲۶۶) و شیخ انصاری (م ۱۲۸۱) صحیح نیست.

گمان می‌رود چون این صفت برای این حدیث، در شرح لمعه (الروضة البهیة) آمده است و این کتاب از زمان خود تاکنون کتاب درسی بوده، کم‌کم سبب شهرت این روایت به مقبوله شده است.

با توجه به بررسی فوق، مراد سخنی که می‌گوید: «هی [روایة عمر بن حنظلة] مستندهم [الاصحاب] فی باب القضاء فهی بنفسها کافیه فی الباب» (تبریزی، ۱۳۸۹ق، ص ۶۲۷)، نمی‌تواند همه فقهای شیعه تا زمان شهید ثانی و یا حتی اکثر آنان باشد. اما دو ادعای «قد قبل الاصحاب متنه و عملوا بمضمونه» را باید با بررسی گزینه دوم (بررسی مبحث تعادل و تراجیح در کتب اصول) ادامه داد، چه بسا فقها در ترجیح بین روایات به مضمون روایت عمر بن حنظله عمل کرده باشند.

بررسی مبحث تعادل و تراجیح در کتب اصول فقه

با بررسی مبحث تعادل و تراجیح معدود کتب اصولی موجود^{۱۱} تا زمان شهید ثانی به نتایج زیر می‌رسیم:

۱. با توجه به عدم حجیت خبر واحد در نزد بعضی از اصولیان، کل بحث تعادل و تراجیح در باب تعارض روایات برای آنان بی‌فایده است و از آن بحثی نکرده‌اند. (علم الهدی، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۷۸-۷۹ / همچنین نک: مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۴۴-۴۵ / حلی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۲۶)

۲. ترتیب مرجحات در نزد اصولیانی که حجیت خبر واحد را قبول دارند، با آنچه در خبر عمر بن حنظله آمده، متفاوت است. (طوسی ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۷-۱۴۸ / حلی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۵۴-۱۵۷)

۳. محقق حلی (م ۶۷۶) نسبت‌هایی به شیخ طوسی (غیر مواردی که در عده الاصول شیخ آمده است) می‌دهد که با روایت عمر بن حنظله همخوانی دارد. (همان، ص ۱۵۶)^{۱۲} ایشان می‌فرماید: «قال الشيخ ره: إذا تساوت الروایتان فی العدالة و العدد عمل بأبعدهما من قول العامة، و الظاهر أن احتجاجه فی ذلك بروایة رويت عن الصادق عليه السلام و هو إثبات لمسألة علمية بخبر واحد، و ما يخفى عليك ما فيه، مع انه قد طعن فيه فضلاء من الشيعة

کالمفید، و غیره»

احتمال قوی می‌رود که مراد ایشان از «بروایه»، خبر عمر بن حنظله باشد. در این صورت «طعن فضلی شیعه مانند شیخ مفید و غیر او» موهن مقبولیت خبر عمر بن حنظله در نزد قداماست.

شایان ذکر است که عبارات‌های محقق را صاحب معالم نقل کرده است (عاملی، بی‌تا، ص ۲۵۵)، با مراجعه به حواشی کتاب معالم مشخص شد که هدایة المسترشدين و حاشیة ملا صالح مازندرانی بر معالم، فاقد بحث ترجیح‌اند و حاشیة سلطان‌العلماء و تعلیقة سید علی قزوینی، مراد از روایت را معین نکرده‌اند.

۴. علامه حلی در کل کتب اصولی خود، با اینکه مبحث خاصی برای ترجیح بین روایات قرار می‌دهد، هیچ‌گاه بدین روایت تمسک نمی‌کند. همچنین نمی‌توان گفت ترتیب مرجحات او با روایت همخوانی دارد. (۴۰۴ق، ص ۲۳۲-۲۳۸/همو، ۱۳۸۰ش، ص ۲۳۶-۲۳۷ و ص ۲۷۸-۲۸۰/همو، ۴۲۵ق، ج ۳، ص ۴۴۴-۴۴۵، ۴۵۲-۴۵۳ و ج ۵ ص ۲۹۰-۳۳۶) این رویه درباره بعضی شاگردان وی نیز صادق است. (اعرجی، ۴۳۱ق، ج ۲، ص ۳۰۶ و ۴۷۸-۴۹۶)

۵. شهید ثانی، خود، در بحث «التعادل و التراجیح»، با اینکه متعرض نظرات رازی و آمدی و ابن‌الحاجب می‌شود، ذکری از روایات از جمله این روایت نمی‌کند. (۴۱۶ق، ص ۲۸۱، ۲۸۳-۲۸۴ و ۲۸۷)

سخنان فوق اگر بطلان ادعای شهید ثانی به اینکه «قد قبل الاصحاب متنه و عملوا بمضمونه» را اثبات نکند، دست‌کم تردید جدی نسبت به صحت آن ایجاد می‌کند. بدین سبب، نمی‌توان مقبولیت روایت عمر بن حنظله را با توجه به کتاب‌های اصول قبل از او اثبات کرد. نکته‌ای که توجه بدان ضروری است، این است که ثابت نشدن مقبوله بودن این روایت بین اصحاب به معنای مردود بودن آن، بین آن‌ها نیست. بلکه قرائن متعددی بر وثاقت عمر بن حنظله اقامه شده و می‌شود (سند، ۴۲۹ق، ص ۲۰۱) و با توجه به نقل این روایت توسط محمدون ثلاث در اهم کتاب‌های روایی شیعه (یعنی کافی، من لا یحضره الفقیه و التهذیب الاحکام) و قرائن دیگر، وثوق به صدور چنین روایتی بعید نیست.

نتیجه‌گیری

با بررسی پیشینه روایت عمر بن حنظله در کتب فقهی، معلوم می‌شود اولین فقیهی که آن را به مقبول متصف نموده، شهید اول است. ادعای مقبوله بودن این روایت بین اصحاب را شهید ثانی مطرح کرده است. جست‌وجوهای انجام‌شده در این مقاله و بررسی کتاب‌های فقهی و اصولی، به‌ویژه مبحث قضا و تعادل و تراجیح، مقبولیت این روایت بین اصحاب را قبل از شهید ثانی به اثبات نرسانید. به نظر می‌رسد استناد گسترده علامه حلی بدین روایت و توصیف روایت به مقبول توسط شهید اول در ذکری و محقق کرکی در کتاب‌هایش، منشأ سخنان شهید ثانی شده است. همچنین گمان می‌رود چون این صفت برای این حدیث، در شرح لمعه (الروضة البهیة) آمده و این کتاب از زمان خود تاکنون کتاب درسی بوده کم‌کم سبب شهرت این روایت به مقبوله شده است. اما این بدان معنا نیست که این روایت نزد اصحاب مردود است. بلکه با توجه به قرائن متعدد، وثاقت عمر بن حنظله و همچنین صدور این روایت از معصوم اثبات می‌شود.

هدف این مقاله، علاوه بر تصحیح اشتباه شایع، تبیین این نکته است که توصیف روایتی به مقبول، نیاز به تتبع فراوان و اثبات دارد و صرف توصیف روایتی به این عنوان در کلمات فقها نمی‌تواند^{۱۳} جبران ضعف سندی باشد. به نظر می‌رسد که اگرچه «مقبول بودن روایت در نزد اصحاب» ظرفیت آن را دارد که به عنوان قاعده‌ای برای اعتماد به روایات مورد بررسی و تنقیح بلکه به کاربرده شود، استفاده غیر ضابطه‌مند از این قاعده در دیگر روایات به عنوان روش علمی پذیرفته نیست.

پی‌نوشت‌ها:

۱. این مقاله از رساله علمی سطح چهار حوزه علمیه قم با عنوان «اجتهاد شخصیت حقوقی» به راهنمایی استاد ابوالقاسم علیدوست استخراج شده است.
۲. به عبارات شهید ثانی در کتاب *الرعاية لحال البهائية* که در ادامه مقاله ذکر می‌شود، دقت شود.
۳. در صورتی که تاریخ تألیف کتاب‌ها از قدیم به جدید باشد، به نظر می‌رسد که گسترش تعبیر در نزد شهید ثانی، به تدریج بوده است.
۴. شایان ذکر است که منابع ذکرشده فقط مخصوص قرن ۱۱ می‌باشد که نگارنده بدان‌ها دست یافت و منابع قرن ۱۲ و ۱۳ بسیار بیش از این‌هاست.

۵. کتاب‌های مورد بررسی عبارت‌اند از: *الهدایة و المقنعة* (صدوق، ۱۴۱۵ق)، *المقنعة و الاعلام* (مفید، ۱۴۱۳ق)، *الکافی فی الفقه* (حلبی، ۱۴۰۳ق)، *المراسم العلویة و الاحکام النبویة* (دیلمی، ۱۴۰۴ق)، *الخلافة* (طوسی، ۱۴۰۷ق)، *المبسوط فی فقه الامامیه* (همو، ۱۳۸۷ق)، *المهذب* (طرابلسی، ۱۴۰۶ق)، *المؤتلف من المختلف بین ائمة السلف* (طبرسی، ۱۴۱۰ق)، *الوسيلة الی نیل الفضیلة* (طوسی، ۱۴۰۸ق)، *غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع* (حلبی، ۱۴۱۷ق)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی* (حلی، ۱۴۱۰ق)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام* (حلی، ۱۴۰۸ق)، *المختصر النافع فی فقه الامامیه* (همو، ۱۴۱۸ق)، *الجامع للشرایع* (حلی، ۱۴۰۵ق)، *کشف الرموز فی شرح مختصر النافع* (فاضل آبی، ۱۴۱۷ق)، *جامع الخلافة و الوفاق بین الامامیه و بین ائمة الحجاز و العراق* (قمی سبزواری، ۱۴۲۱ق) و کتب متعدد علامه حلی (م ۷۲۶) و شهید اول و محقق کرکی. همچنین کتاب‌های الاشراف فی عامة فرائض أهل الاسلام از مفید، *جمل العلم و العمل و رسائل الشریف المرتضی* از سید مرتضی، *الجمل و العقود* از طوسی، *جواهر الفقه* از ابن براج طرابلسی، *اشارة السیق* از ابن ابی المجد حلبی (قرن ۶)، *المعتبر و نکت النهایة* هر دو از محقق حلی بحثی در باب قضا ندارند.

۶. شهید اول یک بار دیگر در *غایة المراد* (۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۱۱) متعرض این روایت شده است و در آنجا چنین صفتی را به روایت نمی‌دهد.

۷. به تعبیرات علامه حلی نسبت به احمد بن محمد بن خالد و احمد بن هلال عبرتائی توجه شود.

۸. نک: *المقنعة* (صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۳۹۶-۳۹۷)، *المقنعة* ص ۸۱۰، *الاعلام بما اتفقت علیه الامامیه* (همو، ۱۴۱۳ق، ص ۴۳-۴۴)، *المراسم العلویة و الاحکام النبویة* (دیلمی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۰-۲۶۱)، *المبسوط فی فقه الامامیه* (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۸۱ به بعد)، *المهذب* (طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۹۱) قابل توجه است که فصل «الدعوی و البینات» باب آداب القضاء با اینکه متعرض آیات و روایات قضاوت شده، از روایت عمر بن حنظله ذکر نیامده است. [، *شرایع الاسلام* (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۵۹) و مخصوصاً ص ۶۰ استدلال به خبر ابی خدیجه دقت شود]، *المختصر النافع* (همو، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۷۹)، *الجامع للشرایع* (حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۵۲۳)، *کشف الرموز* (فاضل آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۹۳-۴۹۴) [به تعرض به روایت ابی خدیجه دقت شود]، *جامع الخلافة و الوفاق* (قمی سبزواری، ۱۴۲۱ق، ص ۵۹۹)

۹. به شرایط قاضی در کتاب‌های *المقنعة* (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۲۱)، *النهایة النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی* (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۳۳۷)، *الخلافة* (همو، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۰۷)، *المهذب* (طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ص ۵۹۷)، *المؤتلف من المختلف بین ائمة السلف* (طبرسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۱۲-۵۱۳)، *الوسيلة الی نیل الفضیلة* (طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۰۸)، *غنیة النزوع* (حلبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۳۶)، *الجامع للشرایع* (حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۵۲۲) و *کشف الرموز فی شرح مختصر النافع* (فاضل آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۹۳-۴۹۴) دقت شود و با شرایط ذکر شده در *ذکر الشیعة فی احکام الشریعة* (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۲)

مقایسه شود.

۱۰. آنچه ایشان به کتاب‌های المبسوط و الخلاف شیخ طوسی نسبت می‌دهند، یافت نشد.
 ۱۱. کتاب‌هایی که بدان مراجعه شد، عبارت‌اند از: التذکرة (مفید، ۱۴۱۳ق)، الذریعة الى اصول الشریعة (علم الهدی، ۱۳۷۶ش)، اعادة فی اصول الفقه (طوسی، ۱۴۱۷ق)، غنیة النزوع الى علمی الاصول و الفروع (حلبی، ۱۴۱۷ق)، معارج الاصول (حلی، ۱۴۲۳ق)، مبادئ الوصول الى علم الاصول (حلی، ۱۴۰۴ق)، ص ۲۳۲-۲۳۸ (۲۳۸)، تهذیب الوصول و نهاية الوصول (همو، ۱۳۸۰ش)، منیة اللیب فی شرح التهذیب (اعرجی، ۴۳۱ق)، القواعد و الفوائد فی الفقه و الاصول و العربية (شهید اول، بی‌تا)، تمهید القواعد الاصولیة و العربية (شهید ثانی، ۱۴۱۶ق)

۱۲. هیچ‌کدام از نسبت‌ها با بررسی در کتب شیخ طوسی یافت نشد.

۱۳. به عنوان اندک نمونه‌ای از فقهای متأخر که روایاتی را متصف به مقبوله کرده‌اند، نک: کتاب الطهارة (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۲ [موثقة سماعة])، القصاص علی ضوء القرآن و السنة (مرعشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۰۲-۱۰۳ [جعفریات اشعثیات])، موسوعة الامام الخوئی (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۲۰۲ [روایت ابی الورد])، کتاب الطهارة (گلیایگانی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۸-۲۹ [صحیحة ابن بزیع])، کتاب الطهارة (اراکي، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۴۲ [مقطوعة سماعة] و ص ۱۴۶ [دو موثقة ابن بکیر])، محمد (نقل از جواهر): تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۴ق)، (کتاب الحجر) ص ۲۸۲ [روایت حماد بن عمرو])، نظام النکاح فی الشریعة الاسلامیة (سبحانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۸ [روایات ایقاب بالغلام])، بیان الفقه (شیرازی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۴۹ [قطعه «فأما ما كان من الفقهاء... فعلى العوام أن يقلدوه» از روایت تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام همراه با توصیف کل روایت به مقبوله] و ج ۲، ص ۳۲۵ [موثقة مسعدة بن صدقة])، القبول الرشید فی الاجتهاد و التقلید (علوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۸ [عهدنامه مالک اشتر])

منابع

۱. اراکی، محمدعلی، کتاب الطهارة، قم: مؤسسه در راه حق، ۱۴۱۳ق.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد (مقدس اردبیلی)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۳. استرآبادی، محمد امین و سید نورالدین عاملی، الفوائد المانیة - الشواهد المکیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۶ق.
۴. اعرجی، ضیاء‌الدین، منیة اللیب فی شرح التهذیب، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۳۱ق.
۵. بروجردی، سید علی، طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، تحقیق سید مهدی رجایی، قم:

- کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ق.
۶. تبریزی، موسی، *اوثق الوسائل فی شرح الرسائل*، قم: کتبی نجفی، ۱۳۶۹ق.
۷. حلبی، ابو الصلاح، *الکافی فی الفقه*، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۳ق.
۸. حلبی، سید ابن زهرة، *غنية النزوع الی علمی الاصول و الفروع*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۷ق.
۹. حلی، محقق، *المختصر النافع فی فقه الامامیه*، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة، ۱۴۱۸ق.
۱۰. _____، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۱۱. _____، *معارج الاصول*، لندن: مؤسسه امام علی علیه السلام، ۱۴۲۳ق.
۱۲. حلی، ابن ادريس، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۳. حلی، علامه، *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ق.
۱۴. _____، *تذکره الفقها*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بی تا.
۱۵. _____، *تهذیب الوصول الی علم الاصول*، لندن: مؤسسه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰ش.
۱۶. _____، *خلاصة الاقوال فی معرفة احوال الرجال*، نجف اشرف: منشورات المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۱ق.
۱۷. _____، *مبادئ الوصول الی علم الاصول*، قم: المطبعة العلمیة، ۱۴۰۴ق.
۱۸. _____، *مختلف الشیعة فی احکام الشریعة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۹. _____، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۴۱۲ق.
۲۰. _____، *نهایة الوصول الی علم الاصول*، قم: مؤسسه امام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۵ق.
۲۱. حلی، یحیی بن سعید، *الجامع للشرایع*، قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیة، ۱۴۰۵ق.
۲۲. خمینی، سید روح الله، *کتاب الطهارة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.
۲۳. _____ (مقرر: سید حسن طاهری خرم آبادی)، *کتاب البیع*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۸ق.
۲۴. خوانساری، آقا جمال، *التعلیقات علی الروضة البهیة*، قم: منشورات المدرسة الرضویة، بی تا.
۲۵. خوانساری، آقا حسین (محقق: سید جواد ابن الرضا)، *مشارق الشمس فی شرح الدروس*، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۶. خوئی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث تفصیل طبقات الرواة*، قم: مرکز نشر آثار شیعة، ۱۴۱۰ق.
۲۷. _____، *موسوعة الامام الخوئی*، قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۸ق.
۲۸. _____ (مقرر: محمد سرور بهسودی)، *مصباح الاصول*، قم: مکتبة الداوری، ۱۴۱۷ق.
۲۹. _____ (مقرر: میرزا علی غروی)، *التفیح فی شرح العروة الوثقی*، قم: بی نا، ۱۴۱۸ق.

۳۰. دلمی، سلار (محقق: محمود بستانی)، *المراسم العلویة و الاحکام النبویة*، قم: منشورات الحرمین، ۱۴۰۴ق.
۳۱. سبحانی، جعفر، *نظام النکاح فی الشریعة الاسلامیة الغراء*، ج ۱، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، بی تا.
۳۲. سند، محمد، *هیوتات فقهیة*، قم: منشورات الاجتهاد، ۱۴۲۹ق.
۳۳. سیفی مازندرانی، علی اکبر، *بدایع البحوث*، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۸۵ش.
۳۴. شبیری زنجانی، سید موسی، *کتاب نکاح*، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ۱۴۱۹ق.
۳۵. شریعتمدار استرآبادی، محمد جعفر، *لب اللباب*، ج ۱، قم: مؤسسه دارالحدیث، ۱۳۸۷ش. چاپ شده ضمن مجموعه «میراث حدیث شیعه» جلد دوم.
۳۶. شفتی، سید محمدباقر، *مقاله فی تحقیق اقامة الحدود فی هذه الاعصار*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۷ق.
۳۷. شهید اول، محمد بن مکی، *القواعد و الفوائد فی الفقه و الاصول و العربیة*، قم: کتابفروشی مفید، بی تا.
۳۸. _____، *ذکری الشعیة فی احکام الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۹ق.
۳۹. _____، *غایة المراد فی شرح نکت الارشاد*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۴۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی، *الرعاية لحال البدایة فی علم الدرایة*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱ش.
۴۱. _____، *الرعاية لحال البدایة فی علم الدرایة*، تحقیق عبدالحسین بقال، ج ۳، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۹۰ش.
۴۲. _____، *تمهید القواعد الاصولیة و العربیة*، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ق.
۴۳. _____، *رسائل الشهید الثانی*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۱ق.
۴۴. _____، *روض الجنان فی شرح ارشاد الازهان*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۲ق.
۴۵. _____، *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۴۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی (با حواشی سید محمد کلانتر)، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم: کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ق.
۴۷. شیخ بهایی، *الوجیزة فی علم الدرایة*، تحقیق محمد کاظم رحمان ستایش، ج ۱، تهران: چاپ و نشر وزارت ارشاد، ۱۴۲۰ق.
۴۸. شیرازی، سید صادق، *بیان الفقه*، قم: دار الانصار، ۱۴۲۶ق.
۴۹. صدر، سید حسن، *نهاية الدرایة*، تحقیق ماجد الغرابوی، بی جا: نشر مشعر، بی تا.
۵۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، *المقنع*، قم: مؤسسه امام هادی علیه السلام، ۱۴۱۵ق.
۵۱. _____، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.

۲۵۰ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال هشتم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

۵۲. طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۸ق.

۵۳. طبرسی، امین الاسلام، المؤلف من المختلف بین ائمة السلف، مشهد: مجمع البحوث الاسلامية، ۱۴۱۰ق.

۵۴. طرابلسی، ابن براج، المهدب، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق.

۵۵. طریحی، فخرالدین، جامع المقال، تحقیق محمد کاظم طریحی، تهران: کتابخانه حیدریه، بی تا.

۵۶. طوسی، ابن حمزة، الوسيلة الی نیل الفضيلة، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.

۵۷. طوسی، محمد بن الحسن، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.

۵۸. _____، العدة فی اصول الفقه، قم: محمدتقی علاقبندیان، ۱۴۱۷ق.

۵۹. _____، المبسوط فی فقه الامامية، تهران: المكتبة المرتضوية لاهیات الآثار الجعفرية، ۱۳۸۷ق.

۶۰. _____، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۰ق.

۶۱. _____، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الاسلامية، ۱۴۰۷ق.

۶۲. عاملی، حسن بن زین الدین (صاحب معالم)، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم: دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.

۶۳. عاملی، حسین (پدر شیخ بهایی)، وصول الاخبار الی اصول الاخبار، قم: مجمع الذخائر الاسلامية، ۱۴۰۱ق.

۶۴. عاملی، محمد بن الحسن بن زین الدین (پسر صاحب معالم)، استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۹ق.

۶۵. علم الهدی، سید مرتضی، الذریعة الی اصول الشریعة، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ ش.

۶۶. علوی، سید عادل، القول الرشید فی الاجتهاد و التقليد، قم: بی نا، بی تا.

۶۷. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب، كشف الرموز فی شرح مختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

۶۸. فاضل کاظمی، جواد بن سعد، مسالك الافهام الی آیات الاحکام، نجف: مكتبة المرتضوية، بی تا.

۶۹. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۴ق.

۷۰. فیض کاشانی، ملا محسن (تحقیق رثوف جمال الدین)، الشهاب الثاقب فی وجوب صلاة الجمعة العینی، بیروت: الاعلمی، ۱۴۰۱ق.

۷۱. قمی سبزواری، علی، جامع الخلاف و الوفاق بین الامامية و بین ائمة الحجاز و العراق، قم: زمینه

- سازان ظهور امام عصر علیه السلام، ۱۴۲۱ق.
۷۲. کجوری شیرازی، مهدی، *الفوائد الرجالية*، تحقیق محمد کاظم رحمان ستایش، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۲ش.
۷۳. کرکی، حسین، *هدایة الابرار الی طریق ائمة الاطهار علیهم السلام*، نجف اشرف: رثوف جمال الدین - حی المعلمین، ۱۳۹۶ق.
۷۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۷۵. کنی، ملا علی، *توضیح المقال فی علم الرجال*، تحقیق محمد حسین مولوی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۹ش.
۷۶. گلپایگانی، سید محمد رضا، *کتاب الطهارة*، ج ۱، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۷ق.
۷۷. مازندرانی، محمد صالح، *شرح الکافی*، تهران: المکتبة الاسلامیة، ۱۳۸۲ق.
۷۸. مامقانی، عبدالله، *مقباس الهدایة فی علم الدراییة*، تحقیق محمد رضا مامقانی، قم: دلیل ما، ۱۳۸۵ش.
۷۹. مجلسی، محمد تقی، *روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
۸۰. محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن، *ذخیره المعاد فی شرح الارشاد*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۲۴۷ق.
۸۱. _____، *کفایة الاحکام*، اصفهان: انتشارات مهدوی، بی تا.
۸۲. محقق کرکی، علی بن الحسین (محقق ثانی)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۸۳. _____، *رسائل المحقق الکرکی*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی و دفتر نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۸۴. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (مقرر: سید عادل)، *التصاص علی ضوء القرآن و السنة*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۵ق.
۸۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، *الاعلام بما اتفقت علیه الامامیة من الاحکام*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۸۶. _____، *المقنعة*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۸۷. _____، *تلخیص کننده: ابوالفتوح کراچکی*، *التذکره*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۸۸. مکارم شیرازی، ناصر، *انوار الفقاهة (کتاب الخمس و الانفال)*، قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۱۶ق.

۲۵۲ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال هشتم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

۸۹. میرداماد، محمدباقر، *الرواشح السماویة*، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۰ش.

۹۰. نراقی، ملا احمد، *مستند الشیعة فی احکام الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۵ق.

۹۱. نوری، میرزا حسین (محدث نوری)، *خاتمة المستدرک*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۷ق.